

## ایران در هفته‌ای گذشت!

(۱۵)

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

### شعار دانشجویان: «رهبر برو گمشو»

جنبش دانشجویی، این بار در اعتراض به حکم اعدام هاشم آغاچری و دیگر مطالبات خود به میدان آمده است، تمام عوامل ریز و درشت رژیم را به تکاپو و وحشت انداخته است. تقریباً در تمام دانشگاه‌های کشور جنب و جوش تازه‌ای بر علیه جمهوری اسلامی، جریان دارد.

یک دانشجوی دانشگاه تهران به نام احمدی، پیرامون اعتراض دانشجویان دانشگاه تهران، در مصاحبه‌ای با رادیو آزادی گفت: نیروهای انتظامی بیرون ایستاده‌اند و کنترل می‌کنند. دانشجویان هم که صدها نفر هستند در داخل نشسته‌اند. وی می‌گوید: دانشجویان دانشگاه امیرکبیر و چند دانشگاه دیگر هم به دانشجویان دانشگاه تهران پیوسته‌اند و خبرنگاران زیادی هم حضور دارند اما اعتراض‌ها به درگیری نکشیده است. مردم بیرون هستند و خیابان‌های اطراف دانشگاه شلوغ است.

دانشجوی دیگری به نام خانم مسعودی، در مصاحبه با رادیو آزادی، گفت: جمعیت زیادی آمده بودند و بیانیه‌های دانشکده‌های مختلف در اعتراض به حکم آغاچری خوانده می‌شد و جمعیت به طرف در دانشگاه که از داخل بسته بود، رفتند و در شعارهای خود استعفای رییس جمهوری اسلامی، رییس تشخیص مصلحت نظام و رییس قوه قضائیه و آزادی زندانیان سیاسی را خواستار شدند.

بدین ترتیب تظاهرات دانشجویان، بالا گرفت و در صدایی که از رادیو آزادی از تظاهرات پخش می‌شد، شعار «رهبر برو گمشو»، به آسمان بلند شده بود.

دانشجوی دیگری نیز در مصاحبه با رادیو آزادی گفت: ۴۰۰ الی ۵۰۰ نفر پشت در اصلی دانشگاه شعار می‌دادند و نیروهای انتظامی با اتوبوس بین مردم و دانشجویان حائل ایجاد کرده بودند. وی در ادامه مصاحبه گفت: نیروهای انصار حزب الله به پلیس پیوست. وی گفت، چون دانشجویان اجازه خارج شدن ندارند، امکان درگیری بین دانشجویان و پلیس و انصار حزب الله وجود ندارد. وی افزود: شعارهای دانشجویان بیش از گذشته مسئولان درجه اول نظام را مورد خطاب قرار می‌دادند.

همچنین بنا به خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران، ۱۳۸۱/۸/۲۴، دانشجویان دانشگاه‌های شیراز و علوم پزشکی در اطلاعیه‌ای از ضرب و شتم تعدادی از شرکت کنندگان در تجمع دانشجویی روز چهارشنبه خبر دادند. به گزارش گروه دریافت ایسنا، در این اطلاعیه آمده است که تعدادی از افراد موسوم به لباس شخصی در پایان تجمع بعد از تعقیب برخی از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان و افرادی که مسئولیت انتظامات را بر عهده داشتند، آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. صادرکنندگان اطلاعیه نوشته‌اند که افراد مزبور دو تن از دانش‌آموزانی را که در برگزاری مراسم با این تشکل همکاری داشتند، ربوده‌اند.

از سوی دیگر، روز سه‌شنبه ۲۱ آبان، هزاران نفر از دانشجویان دانشگاه تهران، کلاس‌های خود را تعطیل کردند و دست به تحصن زدند. دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر، از حضور در کلاس‌های درس خودداری کرده‌اند و شورای آموزشی دانشگاه نیز در این روز تعطیل شد. خبرهای دیگری نیز از تحصن و تجمع در دانشگاه‌های مختلف کشور، منتشر شده است.

در این میان عده‌ای از عوامل اطلاعات و انصار حزب الله، پس از نماز جمعه تهران، به رهبری الله کرم سردسته آدمکش‌ها در خیابان‌های اطراف دانشگاه تهران، در دفاع از حکم اعدام آغاجری، دست به تظاهرات زدند.

در چنین شرایطی، هر دو جناح رژیم از تحرک و جنب و جوش اخیر در دانشگاه‌های کشور، به هراس افتاده‌اند. برای مثال «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی»، با انتشار بیانیه‌ای از دانشجویان خواسته است که دست به کارهای غیرقانونی نزنند. پیام

مجاهدین انقلاب اسلامی این است که دانشجویان در کنترل «دوم خرداد» و «دفتر تحکیم وحدت» که فقط اسمی از آن باقی مانده است، دست به حرکت‌های مستقل و فراتر نزنند. دانشجویان آگاه، پیشرو و چپ و کمونیست نباید بگذارند، این فرقه‌ها با نفوذ و دخالت در جنبش دانشجویی اخلاص بوجود آورند. اکنون اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران، به مرحله‌ای رسیده است که دانشجویان، اگر جنبش خود را به خیابان‌ها بکشند، تا حدودی از حمایت و پشتیبانی توده‌های معترض محروم خواهند ماند.

از سوی دیگر خاتمی رییس جمهور، روز چهارشنبه ۲۲ آبان ۱۳۸۱، نسبت به اعتراضات دانشجویان واکنش نشان داد و گفت: در این موقعیت نباید به کارهایی دست بزنیم که در جامعه مشکل ایجاد می‌کنند، البته می‌توان انتقاد کرد و باید انتقاد کرد ولی باید کاملاً پرهیز کنیم از این که این مسائل تبدیل شود به زمینه‌ای برای سوءاستفاده کسانی که اصل جمهوری اسلامی و اصل مردم‌سالاری دینی و اصل پیشرفت امور را نمی‌خواهند و همیشه کسانی از این شلوغی‌ها سوءاستفاده می‌کنند». خامنه‌ای رهبر رژیم جمهوری اسلامی نیز، با تهدید به سرکوب و کشتار گفت: اگر قوای سه‌گانه نخواهند یا نتوانند مشکلات بزرگ را حل کنند، اگر رهبری احساس نیاز کند نیروی مردم را برای مقابله با مشکلات وارد میدان خواهد کرد». منظور خامنه‌ای، از «مردم» گروه‌های شبه‌مافیایی و نظامی‌الله‌کرم‌ها و ده‌نمکی‌ها و اطلاعاتی‌ها و بسیج و سپاه و گله‌های حزب‌الله است. امروز بزرگ‌ترین خواست و آرزوی اکثریت مردم ایران، این است که سر به تن این رژیم نکبت‌اسلامی نباشد، آن موقع خامنه‌ای، بی‌شرمانه و وقیحانه از به میدان آوردن مردم سخن می‌گوید؟!!

خاتمی، رفسنجانی، خامنه‌ای و دیگر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، که در کشتار و ترور و شکنجه و اعدام و سنگسار و قصاص، سرشان در یک آخور است، از همین حالا وحشت برشان داشته است که مبادا جنبش دانشجویی، قدرتمندتر از گذشته به میدان بیاید.

بدین ترتیب مبارزه دانشجویان سطح کشور، وارد مرحله جدیدی شده است که نسبت به گذشته رادیکال‌تر و شفاف‌تر عمل می‌کنند و توهم‌شان نسبت به جناح‌ها، از جمله

جناح دوم خرداد، کم‌تر شده است. از این رو آنان، در تجمعات و تظاهرات‌های خود، علیه سردمداران هر دو جناح حاکم شعار می‌دهند. این پیشرفت خوبی برای جنبش دانشجویی و به نفع کل جامعه است.

اما هنوز هم باید جنبش دانشجویی، صفوف خود را از صفوف «دفتر و تحکیم» و غیره جدا کند؛ از گرایشاتی که نسبت به این و یا آن جناح رژیم، توهم دارند دوری جوید؛ حرکت‌های خود را به طور مستقل سازمان دهد و با جنبش‌های دیگر نظیر جنبش زنان، جوانان و به ویژه جنبش کارگری اجین شود. تنها از این طریق است که خواست‌ها و مطالبات دانشجویان و دیگر اقشار جامعه رژیم را گام به گام به عقب‌نشینی وادار خواهد ساخت و زمینه را برای تحولات سرنوشت‌ساز تاریخی هموار خواهد کرد.

مهم‌تر از همه شعارهای جنبش دانشجویی نیز باید بیش از این شفاف‌تر و روشن‌تر و اجتماعی‌تر شود. یعنی دانشجویان، خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی، لغو اعدام و شکنجه، سنگسار و قانون ضدانسانی قصاص شوند. این که حکم آغاجری لغو شود، حرفی نیست و عیدی آزاد شود، باز حرفی نیست؛ اما یک جنبش هدفمند و قدرتمند و آگاه نمی‌تواند حرکت خود را به افراد خاصی محدود سازد. چنین شیوه‌ای جنبش دانشجویی را ضعیف نگاه می‌دارد و مانع پیشروی جدی آن می‌گردد. جنبش دانشجویی یک جنبش سراسری در یک کشور هفتاد میلیونی است، از این رو این جنبش باید شعارهای عمومی‌تری که به نفع کل جامعه بشری است، پیش روی خود قرار دهد تا حمایت و پشتیبانی همه جانبه جامعه را پشت سر خود داشته باشد. این ابتدایی‌ترین انتظاری است که از بخش باسواد و آگاه جامعه وجود دارد.

نهایت امر جنبش دانشجویی مجبور است برای رسیدن به مطالبات صنفی، سیاسی و اجتماعی، اولاً صف خود را از فرقه‌های وابسته به رژیم جدا نماید و به طور مستقل مبارزه خود را بر علیه کلیت رژیم پیش ببرد. دوماً مطالبات عمومی مانند «آزادی همه زندانیان سیاسی»، «لغو اعدام و شکنجه» و «لغو قانون قصاص» و «لغو سنگسار»، از اصلی‌ترین شعارها و مطالبات خود قرار دهد.

## واکنش مجاهدین انقلاب اسلامی، نسبت به حکم اعدام هاشم آغاجری

محمد سلامتی دبیرکل و بهزاد نبوی و مصطفی تاج زاده دو تن از اعضای شورای مرکزی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در یک کنفرانس مطبوعاتی، روز سه شنبه ۱۲ نوامبر ۲۰۰۲، در اعتراض به حکم اعدام هاشم آغاجری، عضو زندانی این سازمان، گفتند که این حکم ادامه فعالیت طراحان قتل‌های زنجیره‌ای که از آن به عنوان غده سرطانی نام بردند.

بهزاد نبوی، نایب رییس مجلس شورای اسلامی، در مورد حکم اعدام آغاجری گفت که این غده سرطانی با صدور حکم هاشم آغاجری، اهداف مهم تری را تعقیب می‌کند. پس از آن که وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، در زمستان سال ۱۳۷۷، بر اثر فشار اعتراضات توده‌ای در داخل و خارج کشور پذیرفت که قتل‌های موسوم به «قتل‌های زنجیره‌ای»، از سوی اعضای این وزارت صورت گرفته است، اما تاکنون واقعیت‌های این پرونده را همچنان در پشت پرده نگاه داشته‌اند. در حالی که عاملان قتل‌های زنجیره‌ای، آزادانه می‌گردند، دکتر رزافشان، وکیل خانواده‌های «قتل‌های زنجیره‌ای» را دستگیر و زندانی ساخته‌اند. از آن تاریخ، هر بار کشمکش جناح‌ها گسترش می‌یابد طرفین همدیگر را در دست داشتن در این جنایت تاریخی متهم می‌کنند. در صورتی که هر دو جناح رژیم، در ترور مخالفین، سرکوب سیستماتیک زنان، اعدام، سنگسار و قصاص، یعنی به طور غیرانسانی و وحشیانه دست و پای انسان‌ها می‌برند و چشم‌شان را درمی‌آورند، هیچ گونه مخالفتی ندارند. براین اساس هر دو جناح، خوب همدیگر را می‌شناسند و با ایما و اشاره به همدیگر می‌فهمانند که قوائد بازی را رعایت کنند؟! سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین فرقه‌های جمهوری اسلامی، از آغاز حاکمیت این رژیم، تاکنون است. این سازمان و دیگر فرقه‌های دوم خردادی و خاتمی رییس جمهور، هنگامی به یک حکم اعدام اعتراض می‌کنند که پای یکی از اعضای خودشان در میان است. پرسیدنی است که چرا این جریان‌ات با رییس جمهور خندان‌شان

لایحه‌ای را مبنی بر لغو حکم شکنجه و اعدام به مجلس که در بست در اختیارشان است نمی‌برند؟! البته روشن است که نباید از رژیم صدهزار اعدام چنین انتظاری داشت! امیدواریم آغاجری، نه تنها اعدام نشود بلکه، سریعاً نیز از زندان آزاد گردد و در تبلیغ افکار خود آزاد باشد. اما کسانی که وابسته به جناح‌های حاکمیت و یا خارج از آن مانند «نهضت آزادی» به رهبری ابراهیم یزدی و غیره هستند، به اعدام آغاجری معترضند، آیا به اعدام‌های دیگر نیز که در هفته‌های اخیر افزایش یافته است چرا اعتراضی نمی‌کنند؟! چرا برای آزادی باطبی و زرافشان حرفی نمی‌زنند و لال شده‌اند!

### **گوشت‌های آلوده قربانی می‌گیرد**

ماجرای وارد کردن هزاران تن گوشت آلوده به انگل خطرناک، توسط عوامل جمهوری اسلامی، همچنان ادامه دارد.

روزنامه جام جم، خبر داد که اعضای یک خانواده پس از مصرف گوشت، به حالت اغما افتادند و زن خانه دار به علت مسمومیت شدید جان خود را از دست داد. به گزارش خبرنگار جام جم، از این واقعه، به ماموران کلانتری ۱۱۸ ستارخان اطلاع داده می‌شود که اعضای یک خانواده پس از مصرف گوشت، به حالت اغما افتاده‌اند و با انتقال این مصدومان به بیمارستان خمینی، یک نفر از اعضای این خانواده به نام فاطمه محمدی آریانی (۲۵ ساله) در میان راه جان خود را از دست داده است و دو عضو دیگر این خانواده نیز در بیمارستان بستری شده‌اند.

با حضور قاضی در محل، مشخص می‌شود که اعضای این خانواده با تهیه مقداری گوشت از یکی از فروشگاه‌ها، آن را مورد استفاده قرار می‌دهند و پس از چند ساعت همگی دچار مسمومیت شدید می‌گردند. قاضی حسینی، به خبرنگار جام جم می‌گوید: جسد زن ۲۵ ساله به پزشکی قانونی فرستاده شده و ما در انتظار نتیجه تحقیقات این مرکز خواهیم ماند. همچنین در این خصوص دستور دستگیری فروشنده گوشت آلوده صادر شده است. جام جم، از قول یک مقام قضایی جمهوری اسلامی نیز نوشت: متأسفانه افراد سودجو با سوءاستفاده از ضعف نظارتی مسئولان کشور، با وارد کردن

مواد غذایی آلوده نظیر گوشت و یا برخی از مکمل‌های دارویی، مشکلات را برای مردم به وجود آورده‌اند که هنوز معلوم نیست چه کسی باید پاسخ‌گوی این سهل‌انگاری باشد.

این اقرار مقام قضایی رژیم، تاکید دیگر است مبنی بر این که این گوشت‌ها را خود باندهای رژیم، وارد کشور کرده و توزیع می‌کنند. این باندها آن قدر در حاکمیت قوی هستند که حتا بازرسان بهداشتی مجلس را که اقدام به تحقیق پیرامون چگونگی ورود این گوشت‌ها شده بودند، با درست کردن یک سانحه رانندگی به قتل می‌رسانند. بنابراین عامل اصلی کشته شدن این زن جوان، همین باندهای جمهوری اسلامی است نه فروشنده این گوشت‌های کشنده و خطرناک.

### **صفر قهرمانیان درگذشت**

صفر قهرمانیان، یکشنبه ۱۹ آبان ۱۳۸۱، در بیمارستان ایران مهر، چشم از جهان فروبست. صفر، قدیمی‌ترین زندانی سیاسی، حکومت سلطنتی و سمبل مقاومت در مقابل دیکتاتوری شاه و ساواک مخوفش بود.

صفر، ۳۲ سال، در زندان بسر برد و در این مدت طولانی هرگز حاضر نشد در مقابل حکومت شاه سر فرود بیاورد.

سفر در انقلاب ۵۷ مردم ایران، با سرنگونی نظام شاهنشاهی، از زندان آزاد شد. او، در جمهوری اسلامی نیز خود را به حاکمیت آلوده نکرد.

مراسم خاکسپاری صفر، روز چهارشنبه، در مقابل بیمارستان ایران مهر برگزار شد. در این مراسم هزاران تن شرکت کرده بودند، شعار «زندانیان سیاسی آزاد باید گردد!» را می‌دادند. یاد صفرخان گرامی باد!